

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه شصت و سوم ۹۶/۱۱/۲۳

آشنایی با فرق کلامی اهل سنت - مبانی کلامی وهابیت

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله.

بحث ما در رابطه با اصول و مبانی وهابیت بود.

«ابرز سمات الفكر الوهابي»

وهابیت آن ده موردی که احمد ابن حنبل داشت را کاملاً مورد عمل قرار می‌دهند و اضافه بر آن افراط و غلو در تکفیر دارند که غیر از خودشان تمام فرق اسلامی را تکفیر می‌کنند.

نکته‌ی دیگری که با احمد ابن حنبل تفاوت داشت بحث تجسیم بود که ما این را مفصل مطرح کردیم.

یکی از نکاتی که از ویژگی‌های خطرناک وهابیت در مبارزه با شیعه است، تنقیص نسبت به ائمه علیهم السلام و نسبت به ساحت مقدس امیرالمؤمنین سلام الله علیه است. ابن حجر عسقلانی دارد تعبیری دارد که بد نیست عزیزان این را در ذهن مبارکشان داشته باشند ابن حجر برای خودشان است دیگر علامه حلی و مجلسی نیست در کتاب لسان المیزان در رابطه با شرح حال علامه حلی می‌گوید:

«وكم من مبالغته لتوهين كلام الرافضي»

لسان الميزان، ج ٦، ص ١١٤٣، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي الوفاة: ٨٥٢
، دار النشر : مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت - ١٤٠٦ - ١٩٨٦ ، الطبعة : الثالثة ، تحقيق : دائرة المعارف
النظامية - الهند -

غلو و مبالغه‌ای که ابن تیمیه داشت در کلام رافضی که علامه حلی باشد این:

«ادته أحيانا إلى تنقيص علي رضي الله عنه»

کار را ابن تیمیه به جای می‌رساند غلو در توهین به شیعه به تنقیص امیرالمؤمنین سلام الله علیه هم می‌رسد
یعنی برای این‌ها اصلا مهم نیست.

و نسبت به صدیقه طاهره سلام الله علیها در دفاع از ابوبکر به یک جایی می‌رسد که نستجیر بالله نسبت نفاق به
حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها دارد. ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه می‌گوید علی ابن ابیطالب که
می‌خواست تجدید فرانش کند و دختر ابوجهل را بگیرد:

«فله في أذاها غرض»

می‌خواست حضرت زهرا سلام الله علیها را اذیت کند غرضی داشت -نستجیر بالله!-

منهاج السنة النبوية، ج ٤، ص ٢٥٥، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:
٧٢٨، دار النشر : مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

«بخلاف أبي بكر ... وأنه إنما قصد طاعة الله ورسوله»

اگر چنانچه ابوبکر فاطمه زهرا سلام الله علیها را رنجاند به خاطر قضیه‌ی فدک قصد ابوبکر قربة الی الله بود!
حضرت علی سلام الله علیه که می‌خواست دختر ابوجهل را بگیرد و روی حضرت زهرا سلام الله علیها هُوو بیاورد
قصد او غرض دیگری بود.

پرسش:

این قصه را از کجا فهمیده است؟

پاسخ:

(وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ)

سوره انعام (۶): آیه ۱۲۱

چیزی غیر از این ندارد خودش هم می‌گوید بعضی وقت‌ها شیاطین به صورت من در می‌آیند و مردم را گمراه می‌کنند!

– «اقرار العقلاء علی انفسهم نافذ»–

بعد می‌گوید:

«ثم من المعلوم لكل عاقل أن المرأة إذا طلبت مالا من ولي أمر فلم يعطها إياه»

برای هر عاقلی روشن است وقتی یک زنی مالی را از ولی امری درخواست می‌کند ولی امر به او نمی‌دهد.

منهاج السنة النبوية ، ج ۴ ، ص ۲۴۴ ، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:

۷۲۸ ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – ۱۴۰۶ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

خدا به حق حضرت زهرا سلام الله عليها آنچه که مستحق ابن تیمیه است خدای عالم عین همان را برای او

مقدر کند بیش از این ما نمی‌گوییم، حضرت زهرا آمده فدک را از ولی امر طلب کرده نداده است، چرا؟

«لكونها لا تستحقه عنده»

زیرا حضرت زهرا مستحق این مال نبوده است.

«وهو لم يأخذه ولم يعطه لأحد من أهله ولا أصدقائه بل أعطاه لجميع المسلمين»

فدک را نه به حضرت زهرا سلام الله عليها داد و نه به فامیل‌های خودش داد بلکه به همه مسلمان‌ها داد.

وقتی که مالی غصبی است، مالی که ما قبلاً مفصل در رابطه با قضیه فدک مطرح کردیم، عبارات مختلف بیش

از ۳۰-۴۰ سند آوردیم که رسول اکرم فدک را به حضرت زهرا سلام الله عليها عطا کردند.

بعد از آیهی شریفه:

(وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ)

سوره اسراء (۱۷): آیه ۲۶

بزرگان اهل سنت اعتراف دارند که ابوبکر به زور فدک را از دست حضرت زهرا سلام الله عليها گرفت، این قضیه

چیزی نیست که ما بخواهیم با کتاب‌های شیعه ثابت کنیم و فدک هم بیت المال نبود، ملک شخصی رسول

اکرم بوده است.

عزیزان دقت کنند. این کتاب مسند ابی یعلی است:

«لما نزلت هذه الآية (وأت ذى القربى حقه) دعا النبي صلى الله عليه وسلم فاطمة وأعطاه فدك»

مسند أبی یعلی ، ج ۲ ، ص ۳۳۴ ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلي التميمي الوفاة:

۳۰۷ ، دار النشر: دار المأمون للتراث - دمشق - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: حسين سليم أسد

همچنین در درالمنثور سیوطی دارد:

«لما نزلت هذه الآية (وأت ذى القربى حقه) دعا رسول الله صلى الله عليه وسلم فاطمة فأعطاه فدك»

الدر المنثور ، ج ٥ ، ص ٢٧٣ ، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي الوفاة: ٩١١ ، دار النشر
: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٣

بلاذری در فتوح البلدان دارد که فاطمه سلام الله عليها آمد به ابی بکر گفت:

«أن رسول الله صلى الله عليه وسلم جعل لي فذك فأعطني إياه»

فذك ملك شخصی من بوده است پیامبر صلی الله علیه واله و سلم به من داده است.

فتوح البلدان ، ج ١ ، ص ٤٤ ، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري الوفاة: ٢٧٩ ، دار النشر : دار الكتب
العلمية - بيروت - ١٤٠٣ ، تحقيق : رضوان محمد رضوان

«وشهد لها علي بن أبي طالب»

علی ابن ابیطالب هم شهادت داد.

«فسألها شاهدا آخر فشهدت لها أم أيمن»

...ام ایمن هم آمد شهادت داد.

ابوبکر گفت نه این یک مرد و یک زن است باید دو تا زن با یک مرد بیاید یا دو تا مرد بیاید از آن طرف هم:

«فجاءت بأم أيمن ورباح مولى النبي صلى الله عليه وسلم»

دو تا مرد با یک زن آمدند شهادت دادند.

ولی باز هم ابوبکر حاضر نشد فدک را به صدیقه طاهره سلام الله عليها بدهد. باز در سنن کبرای بیهقی دارد:

«وإن فاطمة رضي الله عنها سألته أن يجعلها لها فأبى فكانت كذلك في حياة رسول الله صلى الله عليه وسلم»

سنن البيهقي الكبرى، ج ٦، ص ١٢٥١٥، اسم المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى أبو بكر البيهقي
الوفاة: ٤٥٨، دار النشر: مكتبة دار الباز - مكة المكرمة - ١٤١٤ - ١٩٩٤، تحقيق: محمد عبد القادر عطا

بعد:

«ثم اقطعها مروان ثم صارت لعمر بن عبد العزيز...»

این‌ها همه بحث‌هایی است که در تاریخ بوده ولی متأسفانه این آدم خبیث و علیه من الله ما يستحق می‌گوید
ابوبکر فدک را گرفت به فامیل‌هایش نداد به همه مسلمان‌ها داد. و در آخر هم می‌گوید این‌که حضرت زهرا
سلام الله علیها غضبناک شد؛

«أو ليس الله قد ذم المنافقين الذين قال فيهم (ومنهم من يلمزك في الصدقات فإن أعطوا منها رضوا وإن لم
يعطوا منها إذا هم يسخطون)»

ایا خدای عالم درباره منافقین نمی‌گوید اگر به آن‌ها چیزی عطا کنی راضی می‌شوند اگر عطا نکنی غضبناک
می‌شوند.

منهاج السنة النبوية، ج ٤، ص ٢٤٥، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة:
٧٢٨، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم

یعنی این خبیث آیه را با صدیقه طاهره سلام الله علیها تطبیق می‌دهد و بعد می‌گوید:

« فمن مدح فاطمة بما فيه شبه من هؤلاء »

هرکس فاطمه را به خاطر غضبش به ابوبکر مدح می‌کند شباهتی از منافقین دارد.

«ألا يكون قادحا فيها فقاتل الله الرافضة»

جالب این است که غماری از علمای بزرگ اهل سنت است ایشان به صراحت می‌گوید:

« وانحراف ابن تيمية عن علي وأهل البيت معروف ، وحتى حُكم عليه بالنفاق لأجل ذلك »

أفضل مقول ، عبدالله الغماري ، ص ٢٥ ، ط الأولى ، مكتبة القاهرة ، مصر ، ١٤٢٦ هـ .

در جای دیگر می‌گوید:

«أنه رأس المنافقين في عصره»

البرهان الجلي، أحمد الغماري ، ص ٥٣ ، ط الأولى ، مطبعة السعادة ، مصر ، ١٣٨٩ هـ .

ابن تیمیه، سرکرده منافقین عصر خودش بود

بعد می‌گوید:

«وكيف لا يلزم بالنفاق»

چطور ما به او صفت نفاق را ندهیم.

«مع نطقه قبحه الله تعالى بما لا ينطق به مؤمن في حق فاطمة سيدة نساء العالمين رضي الله عنها»

سخنی در حق حضرت زهرا گفته است که هیچ مؤمنین چنین حرفی را نمی‌زند.

پرسش:

غماری چه کسی است؟

پاسخ:

غماری از علمای بزرگ مصر است

پرسش:

معاصر است؟

پاسخ:

تقریباً تازه از دنیا رفته کتاب‌های زیادی هم دارد و از الزهری‌ها است.

پرسش:

سلفی مسلک یا صوفی مسلک است؟

پاسخ:

همه‌شان صوفی مسلک هستند.

باز در این‌جا تعبیری دارد:

«فقد قال في السيدة فاطمة البتول : أن فيها شبهة من المنافقين لعنة الله عليه»

لعنت خدا بر ابن تیمیه باد.

نسبت به امیر المؤمنین دارد:

« إنه أسلم صبياً وإسلام الصبي غير مقبول على قول »

اگر علی ابن ابیطالب، اسلام آورد علی بچه بوده اصلاً اسلام بچه که قبول نیست!

البته یک مقداری کم لطفی کردند تعبیر ابن تیمیه این است من عبارتش را برای‌تان می‌خوانم می‌گوید اسلام

علی او را از کفر بیرون نیاورده است، پدر و مادر علی، -نستجیر بالله- کافر بودند و فرزند هم در کفر و ایمان

تابع پدر و مادر است. اسلام صبی هم که قبول نیست پس علی ابن ابیطالب که در دوران کودکی اسلام آورد از کفر بیرون نیامد!

این تعبیری است که واقعاً بدن آدم می‌لرزد که خدا به حق حضرت زهرا سلام الله علیها ابن تیمیه را به اشد عذاب مبتلا کند. همین‌طور که ایشان دارد می‌گوید علیه لعائن الله نه لعنت الله بر ابن تیمیه، لعنت‌های خدا باد و می‌گوید:

«أن علیا علیه السلام مات ولم ینس بنت أبی جهل»

علی ابن ابیطالب از دنیا رفت هنوز هم عشق دختر ابوجهل از قلب او نستجیر بالله بیرون نرفته بود.

در هر صورت این کلیه شالوده‌ی فکری ابن تیمیه است که امروز تعدادی از اهل سنت و کل وهابیت از او به شیخ الاسلام تعبیر می‌کنند و از ابن تیمیه سوال می‌کنند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«لولم ابعث لبعث عمر بن خطاب»

برخی می‌گویند من معتقد هستم اگر بنا بود بعد از رسول اکرم، پیغمبر بیاید ابن تیمیه آن پیغمبر بوده یعنی ابن تیمیه شایستگی دارد که رسولی از انبیاء الهی باشد.

خدا به حق حضرت زهرا ان شاء الله تمام طرفداران ابن تیمیه را لعنت کند و آن‌هایی که واقعاً نا آگاه هستند خدا به حق حضرت زهرا آگاه‌شان بکند و آن‌هایی که عناد دارند و نمی‌خواهند از خواب بیدار بشوند و بعد از این که روشن هم می‌شوند این آدم منافق بوده باز او حمایت می‌کنند این‌ها را با ابن تیمیه و ابن تیمیه را هم با موالیانش ان شاء الله محشور کند.

پرسش:

استادا! شایعه‌ای که حضرت علی علیه السلام خواستگاری از دختر ابوجهل داشته چیست؟

پاسخ:

آنجا امام صادق علیه السلام می‌فرماید که دشمنان انبیاء از افتراء به انبیاء دست برد نداشتند، نسبت به حضرت آدم افتراء زدند نسبت به حضرت داود افتراء زدند نسبت به یوسف افتراء زدند نسبت به علی ابن ابیطالب افتراء خواستگاری دختر ابی‌جهل زدند. یعنی این افتراء خواستگاری در ردیف افتراء به انبیاء و پیامبران بوده شما در علل الشرایع دقت بفرمایید.

پرسش:

این‌که به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها قضیه را گفتند و حضرت فاطمه زهرا دست حسنین را گرفتند ... همه این‌ها شایعه است؟

پاسخ:

تمام آن‌ها دروغ محض است، امام صادق می‌فرماید اصلاً این یکی از افتراءاتی است که به علی علیه السلام بستند همان‌طوری که به انبیاء گذشته افتراء بستند، به پیغمبر هم افتراء جنون زدند افتراء کذب زدند افتراء سحر زدند به علی ابن ابیطالب هم افتراء تجدید فراش زدند این عبارت امام صادق سلام الله علیه است.

پرسش:

اصلاً کل داستان ساختگی است؟

پاسخ:

بله، کل داستان ساختگی است تمام این داستان بر می‌گردد به مسور ابن مخرمه، مسور ابن مخرمه سال دوم هجری به دنیا آمده است. پیغمبر که از دنیا رفتند، ۸ ساله بوده و طبق عبارتی که آقایان گفتند این خواستگاری سال ۲ هجری بوده یعنی آن زمان اصلاً مسور ابن مخرمه به دنیا نیامده بوده است.

شما راوی قضیه خطبه بنت ابی جهل را بخواهید پیدا کنید غیر از مسور یک روایت پیدا کنید همه به مسور بن مخرمه بر می‌گردد.

توفیق ابو علم می‌گوید این اتفاق سال دوم هجری صورت گرفته قبل از این‌که امام حسن به دنیا بیاید و آن زمان هم مسور به دنیا نیامده اگر هم به دنیا آمده در دامن مادرش بوده است!

پرسش:

از دشمنان حضرت امیر هم بوده؟

پاسخ:

بله از دشمنان حضرت امیر است هر وقت اسم معاویه می‌آمده برایش صلوات می‌فرستاده!

کار به جایی رسیده که ابن حجر عسقلانی در الدرر الکامنه، صفحه ۱۵۵ چاپ‌های جدید صفحه ۱۸۱ است می‌گوید:

«ومنهم من ينسبه إلى النفاق»

بعضی از اهل سنت به ابن تیمیه نسبت نفاق می‌دهند.

الدرر الکامنة في أعيان المائة الثامنة ج ۱، ص ۱۸۱، اسم المؤلف: الحافظ شهاب الدين أبي الفضل أحمد بن علي بن محمد العسقلاني الوفاة: ۸۵۲هـ / ۱۴۴۹م ، دار النشر : مجلس دائرة المعارف العثمانية - صيدر اباد/ الهند - ۱۳۹۲هـ / ۱۹۷۲م ، الطبعة : الثانية ، تحقيق : مراقبة / محمد عبد المعيد ضان.

چرا؟

«لقوله في علي ما تقدم»

نسبت به علی آنچه که قبلاً گفتیم که عبارت‌های نادرستی گفته است.

در ادامه گفته:

«کان مخذولا حیث ما توجه»

نستجیر بالله علی هر کاری که می‌کرد جز خذلان نصیبش نمی‌شد.

«وإنه حاول الخلافة مرارا فلم ينلها»

بارها خواست خلافت را به دست بگیرد ولی نتوانست -نستجیر بالله -

«وإنما قاتل للرئاسة لا للديانة»

جنگ علی، ریاست طلبی بود نه دیانت خواهی!

«يحب الرئاسة وإن عثمان كان يحب المال ولقوله أبو بكر أسلم شيخا يدري ما يقول وعلي أسلم صبيا والصبى لا

يصح إسلامه على قول وبكلامه في قصة خطبة بنت أبي جهل... فألزموه بالنفاق لقوله صلى الله عليه وسلم»

چرا که پیغمبر فرمود:

«ولا يبغضك إلا منافق»

دیگر آقای ابن حجر عسقلانی کاملاً مسئله را تمام کرده است.

عزیزان دقت کنند این عبارت ابن تیمیه است:

«أبو بكر أول من اسلم فهو اسبق إسلاما من على وقيل أن عليا أسلم قبله لكن علي كان صغيرا»

...علی کوچک بوده است.

منهاج السنة النبوية ، ٧، ص ١٥٥، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

«وإسلام الصبي فيه نزاع بين العلماء ولا نزاع في أن إسلام أبي بكر أكمل وانفع»

تا آن جای که ایشان می گوید:

« وإن قيل كفر الصبي ليس مثل كفر البالغ»

اگر علی هم مثلاً کافر بوده، علی ابن ابیطالب بچه بوده کفرش مثل کفر بالغ نبوده است.

منهاج السنة النبوية ، ج ٨، ص ٢٨٥، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار النشر : مؤسسة قرطبة – ١٤٠٦ ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : د. محمد رشاد سالم

«قيل ولا إيمان الصبي مثل إيمان البالغ فأولئك يثبت لهم حكم الإيمان والكفر وهم بالغون وعلي يثبت له حكم الكفر والإيمان وهو دون البلوغ»

این مهم است:

«والصبي المولود بين أبوين كافرين يجري عليه حكم الكفر في الدنيا باتفاق المسلمين»

چقدر خباثت! چقدر پستی! چقدر عداوت با امیر المؤمنین سلام الله علیه! حتی یک مسیحی یا یک یهودی نسبت به حضرت امیر علیه السلام چنین تعبیری نمی کند!

«والصبي المولود بين أبوين كافرين يجري عليه حكم الكفر في الدنيا باتفاق المسلمين»

فرزندی که از پدر و مادر کافر به دنیا آمده به اتفاق مسلمین کافر است.

«وإذا أسلم قبل البلوغ فهل يجري عليه حكم الإسلام قبل البلوغ»

اصلاً علی که قبل از بلوغ مسلمان شد آیا این مسلمان بودنش او را از کفر نستجیر بالله بیرون می‌آورد؟

«علی قولین للعلماء بخلاف البالغ فإنه یصیر مسلماً باتفاق المسلمین فكان إسلام الثلاثة مخرجا لهم من الکفر

باتفاق المسلمین»

پرسش:

بخشید استاد! آیا این تنقیص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نیست مگر به دعوت پیامبر اسلام، ایشان

اسلام نیاورد؟

پاسخ:

ایشان کاری به پیغمبر ندارد دنبال این است که امیر المؤمنین را زیر سوال ببرد مگر خطبه بنت ابی جهل تنقیص

پیغمبر نیست؟

پرسش:

شاید در آن جا یک توجیه بشود.

پاسخ:

نه، توجیه بردار نیست می‌گوید وقتی به پیغمبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که علی علیه السلام به خواستگاری

دختر ابوجهل رفته است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حالت عصبانی بالای منبر رفت و گفت علی ابن

ایبطالب اگر می‌خواهد دختر ابوجهل را بگیرد دختر من را طلاق بدهد!

حکم قرآن این است که می‌گوید:

(فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ)

سوره نساء (۴): آیه ۳

یعنی پیغمبر نستجیر بالله دارد حکم قرآن را زیر سوال می برد. علی بخواهد زن بگیرد دختر من را طلاق بدهد! اصلاً این از یک فرد عادی بعید است، از یک آدمی که متدین به قرآن باشد بعید است که چنین کاری کند تا چه رسد به نبی مکرم اسلام صلی الله علیه واله وسلم.

«وَاللّٰهُ لَا تَجْتَمِعُ بُنْتُ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَبِنْتُ عَدُوِّ اللّٰهِ عِنْدَ رَجُلٍ وَّاحِدٍ»

الجامع الصحيح المختصر، ج ۳، ص ۱۳۶۴، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا

من بارها گفته ام وقتی ام الفضل علیها لعنت الله پیش پدرش مأمون آمد گفت امام جواد می خواهد خواستگاری کند زن بگیرد مانع بشو گفت دخترم ما که تو را به عقد امام جواد در نیاوردیم حکم خدا را زیر پا بگذاریم. قرآن می گوید:

(فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ)

سوره نساء (۴): آیه ۳

مأمون با آن خبائثش وقتی دخترش می آید از امام جواد علیه السلام شکایت می کند می گوید من دستور قرآن را زیر پا نمی گذارم ولی پیغمبر نه، نستجیر بالله این طور نبوده است!!

اصلاً در این روش، آقایان وهابی کاری با هیچ ندارند اگر لازم باشد آقایان خدا را هم زیر سوال می‌برند! برای‌شان مهم نیست امیر المؤمنین زیر سوال برود در کنارش هم خدا زیر سوال برود پیغمبر زیر سوال برود قرآن زیر سوال برود این قضایا برای‌شان مهم نیست.

پرسش:

استاد ببخشید! نظرات ابن تیمیه راجع به بحث اسلام حضرت علی علیه السلام را قبل از او کسی دیگر هم مطرح کرده است، مثلاً در آثار ابن حنبل هم داریم اسلام حضرت علی را مطرح کرده باشد.

پاسخ:

اصلاً و ابداً! من ندیدم که یک نفر قبل از ابن تیمیه چنین شبهه‌ای را مطرح کرده باشد.

پرسش:

بعد از زمان ایشان می‌بینیم که وجود دارد.

پاسخ:

ببینید! اصلاً اهل سنت به خلفاء که می‌رسند رضی الله عنه می‌گویند به علی علیه السلام که می‌رسند کرم الله وجهه می‌گویند و دلیلش را هم می‌گویند چون علی ابن ابیطالب از اول طفولیت در برابر بت سجده نکرد. علی ابن ابیطالب، در بیت الله الحرام متولد شده، اگر اشتباه نکنم آلوسی می‌گوید روز اولی که علی ابن ابیطالب چشم به جهان گشود در بیت الله الحرام و به توحید چشم گشود، دیگر از این واضح‌تر و روشن‌تر!

پرسش:

کرم الله وجهه را چند سال پیش روی پرده کعبه می‌نوشتند ولی عوضش کردند!

پاسخ:

خیلی چیزها را عوض کردند در مدینه هم اسامی ائمه را نوشته بودند المهدی الحی، حی اش را برداشتند و پاک کردند.

چه کار باید کرد؟! حتی علی ابن ابیطالب علیه السلام زیر سوال برود به قیمت زیر سوال رفتن کل صحابه، یا اکثریت صحابه! ببینید حماقت تا کجا است، آدم خیلی به حماقت ابن تیمیه دل نمی‌سوزاند حماقت مال آن‌هایی است که به ابن تیمیه رحمه الله! و شیخ الإسلام رحمه الله! می‌گویند.

ما باز می‌گوییم آن‌ها که واقعا نا آگاه هستند خدا به حق حضرت زهرا سلام الله علیها این‌ها را آگاه کند ما راضی نیستیم هیچ بنده‌ی خدایی گرفتار عذاب بشود ولی آن‌ها که واقعا عناد دارند و نمی‌خواهند متوجه بشوند یا متوجه می‌شوند و دست بر نمی‌دارند خدا این‌ها را با موالیانشان محشور بکند.

ابن تیمیه در منهج السنه، جلد ۷، صفحه ۱۳۷ می‌خواهد از ابوبکر تعریف کند علی را زیر سوال ببرد، ببینید به چه قیمتی می‌خواهد این کار را بکند؟

اصلاً ما درباره ابن تیمیه هیچ نداشته باشیم همین یک کلام کافی است همان تعبیر سُبکی که در مورد ابن تیمیه دارد می‌گوید ایشان خارج از هفتاد و سه ملت است، یهودی است نصرانی است زرتشتی است؛ نمی‌دانیم.

ابن تیمیه می‌گوید خلفاء مانند ابوبکر و عمر را عموم صحابه و تابعین دوست داشتند ولی

«و لم یکن كذلك علي»

علی را صحابه و تابعین دوست نداشتند

منهاج السنة النبوية ، ج ٧، ص ١٣٧ اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس الوفاة: ٧٢٨ ، دار النشر: مؤسسة قرطبة - ١٤٠٦ ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: د. محمد رشاد سالم

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه»

بسیاری از صحابه و تابعین، بغض علی را در دل داشتند

«و يسبونه و يقاتلونه»

چه کار باید کرد؟!

می گوید:

«فان كثيرا من الصحابة و التابعين كانوا يبغضونه و يسبونه»

بسیاری از صحابه بغض علی، در دل داشتند.

این دیگر صحیح مسلم است بحار الأنوار و کافی نیست، ببینید در صحیح مسلم دارد:

«ولا يُبغِضُنِي إِلَّا مُنَافِقٌ»

صحیح مسلم ، ج ١، ص ٧٦، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ٢٦١ ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي

این مسند احمد است که می گوید:

« من سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج ٦ ص ٣٢٣، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ٢٤١ ، دار

النشر : مؤسسة قرطبة – مصر

«من سب علياً فقد سبني ومن سبني فقد سب الله تعالى»

المستدرك على الصحيحين ، ج ٣، ص ١٣٠، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة:

٤٠٥ هـ ، دار النشر : دار الكتب العلمية – بيروت – ١٤١١هـ – ١٩٩٠م ، الطبعة : الأولى ، تحقيق : مصطفى عبد

القادر عطا

ولى اصلاً كاری ندارد كه صحابه هم زیر سوال میروند! على زیر سوال برود ولو به قیمت زیر سوال رفتن كل

صحابه باشد!

والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته